



تاریخ: ۱۳۹۰-۰۳-۲۴

پدرام سلطانی در گفتگو با شرق عملکرد اتاق های بازرگانی را ارزیابی کرد.

اتاق باید اتاق باشد نه وزارت بازرگانی

* شما جزو کدام گروه هستید؛ آنانی که می‌گویند رییس اتاق بازرگانی باید هماهنگ با دولت گام بردارد یا آنانی که معتقدند رییس اتاق باید مستقل از دولت عمل کند یا اینکه راهکار سوم را که در پیش گرفتن سیاست‌های بینابین است، بر می‌گزینید؟

ببینید، فلسفه وجودی سازمان‌های غیردولتی چه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و چه موضوعات دیگر در تمامی دنیا، این است که شهروندان در خصوص مسائلی که اشتراک هدف و اتفاق نظر دارند اما سیاست دولت‌ها کاملاً منطبق با نظرات آنها نیست به فعالیت گروهی و مشترک بپردازند و اصطلاحاً برای تامین خواسته‌هایشان به دولت فشار بیاورند. پس هر سازمان غیردولتی به طور قطع هم با دولت اختلاف‌نظر دارد و هم اهداف مشترکی را با آن دنبال می‌کند. در ایران هم وضع به همین گونه است. پس باید عرض کنم قطعاً اتاق بازرگانی در موضوعات بسیاری با دولت اختلاف‌نظر دارد. این اختلاف‌نظر ایجاب می‌کند اتاق نسبت به عملکرد و مصوبات دولت موضع داشته باشد و اگر غیر از این باشد این امر غیرطبیعی است و اصولاً وجود اتاق بی‌معنی خواهد بود. زیرا اگر قرار باشد اتاق همان را بگوید که دولت می‌گوید پس دیگر چه نیازی است که فعالان اقتصادی این همه هزینه را صرف اتاق کنند؟ بنابراین صراحتاً عرض می‌کنم اتاق باید به عنوان حافظ منافع فعالان اقتصادی به ویژه اعضای خود به صورت مستقل عمل کند و نظرات بخش خصوصی را حتی اگر به مذاق دولت خوش نیاید، اعلام کند. اما نکته مهم این است که اتاق از طرح نظرات بخش خصوصی صرفاً به دنبال رفع تکلیف نیست بلکه می‌خواهد نقطه نظر اتش شنیده و به آنها ترتیب اثر داده شود. بنابراین اتاق موفق، اتاقی است که راه احقاق حقوق بخش خصوصی را بداند و براین اساس تاکتیک‌هایی را به‌کار گیرد، خواه این تاکتیک‌ها از جنس انتقاد و اعتراض باشند، خواه از نوع همراهی و تعامل.

* در شرایط فعلی و با دولت فعلی آیا لازم است رییس اتاق، سیاستی خلاف جهت دولت را برای اجرا برگزیند یا به دیگر بیان

به صورت کارشناسی عمل کند؟ یا بهتر بگوییم آیا این امکان وجود دارد که رییس اتاق بتواند به صورت مستقل عمل کند؟

اتاق و سخنگوی آن، که رییس اتاق باشد در هر شرایطی باید جهت‌گیری خلاف دولت برگزیند. خب در مواقعی مثل وضعیت فعلی که مشکلات بخش خصوصی به شدت افزایش یافته، طبیعی است که صدای مخالفت و انتقاد بیشتر شنیده می‌شود. به نظر من اتاق در دوره قبل توفیق زیادی در تعامل با مجلس به دست آورد اما در تعامل با دولت چندان موفق نبود. رییس اتاق اگر نظرات و نیازهای بخش خصوصی را مطرح نکند شاید این موضع به مذاق دولت خوش بیاید اما این روحیه موجب دلسردی و ناامیدی بخش خصوصی می‌شود و آسیب آن در نهایت به خود دولت باز می‌گردد. اتفاقاً یک دولت هوشمند در شنیدن نظرات اتاق و تعامل با آن تلاش بیشتری می‌کند چون به این وسیله از حجم انتقادات کاسته شده و نهایتاً این دولت است که موفق قلمداد خواهد شد.

* ایده‌آل‌ترین روش در این زمینه چیست؟

روش ایده‌آل این است که دولت از يك مشي مشخص و قابل پیش‌بینی اقتصادي برخوردار باشد و در حوزه اقتصاد عملکرد حرفه‌اي داشته باشد تا اتاق نیز در رویکرد حرفه‌اي خود قرار بگیرد و نقدها و نظرهاي آن فني‌تر شوند.

* از تجربه سایر کشورها در این زمینه بگوئید.

در تکمیل سخنان قبلي باید به این نکته اشاره کنم که اصولا اتاق‌ها در کشورهایی که احزاب کلاسیک دارند و هر يك ایدئولوژی خاص خود را دنبال می‌کند با دولت‌های برخاسته از احزاب طیف راست؛ یعنی محافظه‌کاران یا جمهوری‌خواهان بهتر از دولت‌های طیف چپ، یعنی سوسیالیست‌ها یا دموکرات‌ها کار می‌کنند. زیرا مکتب اقتصادي احزاب طیف راست بیشتر مبتني بر نظام سرمایه‌داري و اقتصاد بازار است، بنابراین آنان بیشتر به رفع موانع کارفرمائي اعتقاد دارند. اتاق‌ها در کشورهای مختلف از جایگاه متفاوتي برخوردارند. اصولا در کشورهایی که اتاق‌ها به استناد قوانین عمومي ایجاد می‌شوند، اتاق از جایگاه ویژه‌اي برخوردار است. نمونه این اتاق‌ها در آلمان، فرانسه، اتریش یا ایتالیا دیده می‌شود که حتی رییس اتاق در جلسات هیات دولت نیز صندلي دارد و هیچ قانون اقتصادي بدون نظر اتاق تصویب نمی‌شود. اما در کشورهایی که اتاق‌ها به استناد قوانین خصوصي و مانند NGO تشکیل می‌شوند، قوت و ضعف اتاق‌ها با رفتار دولت‌ها تغییر می‌کند. اگر دولتي خوب تعامل کند، اتاق تقویت می‌شود و بالعکس. البته در وضعیت فعلی و فارغ از تفاوت‌هایی از این دست اتاق‌ها در کشورهای توسعه‌یافته یا نو صنعتي جایگاه مهمي دارند. در کشور ما با وجود اینکه اتاق به استناد قوانین عمومي شکل گرفته است اما اهمیت چنداني در سیاست‌های اقتصادي کشور ندارد و این در نوع خود يك تناقض است.

* تا چه میزان عملکرد اتاق تحت‌تاثیر سیاست‌های دولت است؟ آیا این تاثیر شدید است؟

عملکرد اتاق تهران بسیار تحت‌تاثیر دولت است زیرا هیات ریسه این اتاق با توجه به اینکه يك سوم نمایندگان منصوب وزرا هستند عملا در کارزار رقابت گروه‌های بخش خصوصي با رأی دولت انتخاب می‌شوند، بنابراین خود را و مدار دولت می‌دانند. این موضوع در اتاق ایران کمتر دیده می‌شود اما به هر حال دولت در این اتاق هم جایگاه ویژه‌اي برای خود قایل است زیرا همواره حداقل يك عضو هیات ریسه از نمایندگان دولت انتخاب می‌شود.

* با این تفاسیر آیا عملکرد اتاق در دوره گذشته را مثبت ارزیابی می‌کنید؟

این پرسش را از دو منظر می‌توان پاسخ داد. اگر عملکرد اتاق را با دوره‌های ماقبل آن مقایسه کنیم باید بگویم اتاق عملکرد بسیار موفقي داشته است زیرا از انحصار طلبی و خودرأیی بیرون آمد، فضاي نقد و نظر در اتاق باز شد، شأن اتاق در بعد جایگاه آن نزد افکار عمومي، حاکمیت و فعالان اقتصادي تقویت شد، کمیسیون‌ها به مدد تحول به‌وجود آمده در اتاق و افزایش سطح دانش و آگاهی اعضای هیات نمایندگان کارشناسي‌تر شدند و اثرگذاری اتاق در حوزه تقنین افزایش یافت. اما اگر عملکرد اتاق را با انتظارات فعالان اقتصادي و چشم‌اندازی که ما متصور بودیم مقایسه کنیم، اتاق موفق نبود زیرا کمتر توانست مشکلي را از بخش خصوصي حل کند، بدنه ضعیفی برای پردازش مشکلات بخش خصوصي داشت، کند و بروکراتیک عمل می‌کرد و به جای پرداختن به مشکلات «کسب و کار» به مشکلات «اقتصاد» سرگرم شده بود. من روی این موضوع آخر تاکید دارم و بارها گفته‌ام که اتاق جای پرداختن به مشکلات کسب و کار است، نه اقتصاد. اتاق نه وزارت اقتصاد است، نه سازمان مدیریت و نه بانک مرکزی. اتاق سامانه‌اي برای حل مشکلات روزمره بخش خصوصي است.

* چه ضعف‌ها و کاستی‌های دیگری وجود دارد که در حوزه عملکرد روساي اتاق است و باید اصلاح شود؟ آیا ضعف‌های

موجود ریشه‌اي هستند یا خیر؟ دلیل به وجود آمدن این ضعف‌ها چیست؟

اتاق بیش از حد رییس محور است و این موضوع متأسفانه به قانون اتاق و دیگر قوانین موضوعه بر می‌گردد. قانون قبلي اتاق در زمان آقای خاموشي در مجلس تصویب شده است و ظاهرا وي و همفکرانشان چیزی در تمرکزگرایی در این قانون کم

نگذاشته‌اند! ضعف دیگری که در عملکرد روسای اتاق وجود دارد، این است که به مفاهیم حاکمیت شرکتی که البته اینجا باید بگویم حاکمیت سازمانی، وفادار نیستند. یعنی هم حقوق رکن فوقانی خود، یعنی هیات نمایندگان را تضییع می‌کنند و اختیاراتشان را نادیده می‌گیرند و هم در امور اجرایی اتاق دخالت می‌کنند، یعنی به ارکان فوقانی و زیرین خود تعدی می‌کنند. این رفتار قاعده اداره اصولی اتاق را بر هم می‌ریزد. ضعف دیگر در عملکرد روسای اتاق، چه آقای خاموشی و چه آقای نهارندیان این بوده است که گزارش عملکرد ارایه نمی‌دادند. رییس اتاق به واسطه قانون در چندین شورای مهم اقتصادی عضو است اما هیچگاه يك گزارش رسمي از وي در اختیار اعضا قرار نگرفت تا گویای مآل باشد یا حتی وي، خود را موظف به مشورت با نمایندگان در خصوص تصمیمات آنجا نمی‌دانست.

*** آیا تاکنون اتفاق افتاده که اتاق از مسیر اصلی و رسالت خود منحرف شود؟**

به اعتقاد من رسالت اصلی اتاق رسیدگی به مشکلات کسب و کار اعضای اصلی خودش است و وظایفی هم که در این راستا مطابق قانون تاسیس اتاق برای آن مشخص شده ایجاد هماهنگی و همکاری بین صنعتگران، بازرگانان و فعالان اقتصادی و ارایه مشاوره به سه قوه است. لازم به ذکر است که بیش از ۹۸ درصد اعضای اتاق بازرگانی بنگاه‌های کوچک و متوسط هستند و نوع مشکلات این اعضای کثیر با بنگاه‌های بزرگ تفاوت دارد. اما آنچه از گذشته تاکنون در صدر کارهای اتاق بوده پرداختن به موضوعات کلان که هم امکان اصلاح آنها از روش‌های پیش‌بینی شده در قانون ضعیف است و هم در صورت انجام تا حد زیادی مشکل آن دو درصد بنگاه بزرگ عضو اتاق را حل می‌کند. بنابراین به اعتقاد من اتاق رسالت اصلی خودش را که پرداختن به مشکلات ذی‌نفعان اصلی و اکثریتی خودش است، همواره فراموش کرده.

*** عملکرد اتاق در ۳۰ سال گذشته چگونه بوده است. روند عملکرد آن نزولی بوده یا صعودی؟**

عملکرد اتاق در ۳۰ سال گذشته را من به سه دوره تقسیم می‌کنم. دوره حفظ و نگهداری اتاق که از زمان انقلاب شروع شد و تا پایان جنگ ادامه داشت، یعنی حدوداً ۱۰ سال اول. در این دوره به واسطه روحیه انقلابی مردم و مدیران جوان آن زمان که آمیختگی زیادی با تفکرات سوسیالیستی هم داشتند، فعالان اقتصادی به ویژه سرمایه‌داران تراز اول بیش از دیگران آماج حمله و هجمه بودند و اتاق در این دوره تلاش زیادی برای حفظ حیات بخش خصوصی کرد. دوره دوم، دوره رکود و سکون بود که ۱۰-۱۲ سال بعد از دوره اول بود. در این دوره به دلیل قرار گرفتن اتاق در انحصار گروهی خاص و محدودیت شدید در گردش مدیریت، عدم اعتقاد به استفاده از مدیران جوان و تحصیلکرده و غیرخودی دانستن افراد خارج از حلقه گروه حاکم بر اتاق، عملاً درجا زد و به نوعی يك زندگي نباتي را در پیش گرفت. دوره سوم که ۱۰-۸ سال اخیر بوده است، دوره تحول در اتاق بود. در این دوره با ورود مدیران نسل نو که از تحصیلات و ایده‌های بهتری برخوردار بودند، اتاق جان تازه‌ای گرفت و رفته‌رفته اهمیت و فعالیت خود را بازسازی کرد.

*** از منظر شما رییس اتاق باید از چه ویژگی‌هایی باشد. آیا او باید يك فرد سياسي باشد یا متخصص اقتصاد یا ترکیبی از این دو؟**

به نظر من نگاه آرمانی بخش خصوصی این است که ای‌کاش می‌شد رییس اتاق يك مدیر موفق، توانمند و تحصیلکرده بخش خصوصی باشد. اما ظاهراً در جامعه سیاست‌زده ما، ریاست اتاق بیشتر يك پست سياسي است.

*** حال که این‌گونه است، شما تصمیمات اتاق را تا چه حد سياسي می‌دانید؟**

سیاسی از منظر ربط داشتن به سیاست به نظر کم است اما سیاسی از معنای غیرصریح و مصلحتی شاید به نسبت بیشتر است. اما به طور کلی تلاش همه اعضای هیات نمایندگان اتاق حتی آنانی که فعالیت سیاسی دارند، همواره این بوده است که نگاه سیاسی خود را به اتاق وارد نکنند.

* این سیاست تا چه میزان توانسته در اتاق رخنه کند؟

سیاست در همه جا رخنه کرده است. اصولاً ما ملتی سیاسی هستیم و نمی‌توانیم منکر آن باشیم. همین که مدیران سیاسی و دولتی از دیدگاه‌ها و سلیق مختلف تمایل ورود و حضور در اتاق دارند، نشان از رخنه سیاست در اتاق دارد. در کشورهای مبتنی بر اقتصاد آزاد، این جهت عکس است، یعنی مدیران موفق بخش خصوصی پایشان در سیاست باز می‌شود و کم نیستند مدیرانی که رییس‌جمهور، وزیر یا نماینده مجلس می‌شوند. بنابراین آنجا این اقتصاد است که در سیاست رخنه می‌کند ولی خوب در کشور ما سایه سیاست بسیار سنگین است. شاید یکی از دلایل هم این باشد که دولت خود بزرگترین بازیگر اقتصاد کشور است چون نفت و گاز و تعداد کثیری شرکت‌های بزرگ را در اختیار خود دارد. بنابراین در کشوری که به تعبیر رایج ۸۰ درصد اقتصاد در دست دولت است، سیاست در اتاق و همه شئون اقتصاد رخنه می‌کند.

* آیا سیاسی‌کاری تا این اندازه مخرب است یا نه و اگر وجود داشته باشد تا چه میزان خوب و تا چه میزان مخرب است؟

به نظر ما ایرانیان چون در طول سده‌ها به فرهنگ رودر بایستی، تعارف و پنهان‌کاری خو گرفته‌ایم، سیاسی‌کاری بخشی از زندگی‌مان شده است. من معتقدم این روحیه و فرهنگ یکی از عوامل عقب‌ماندگی ماست چون با این روش انرژی بسیاری صرف هر کاری می‌شود و این فرهنگ مایه اتلاف وقت و توان است. بنابراین سیاسی‌کاری به نظر حتماً مخرب است.

* آیا دولت به دنبال این بوده تا اتاق را با خود همراه کند؟

از آنچه از گذشته تاکنون، در پنهان گذشته بی‌اطلاع اما در یک قضاوت منطقی فکر می‌کنم هر دولتی علاقه‌مند این اتفاق است چون آن را یکی از نموده‌های موفقیت خود می‌داند.

* ویژگی‌های یک رییس و هیات ریسه خوب با توجه به شرایط فعلی اقتصادی که نامطلوب هم است، چه باید باشد؟

باید ظرفیت‌های فردی بالایی داشته باشند، یعنی آنان باید از دانش لازم، تجربه کار، آشنایی اصولی و نه صرفاً تجربی با اتاق‌ها و کارکرد آنها برخوردار باشند. یک عضو هیات‌ریسه باید برای بهبود اتاق، حرف و برنامه داشته باشد، صرفاً قدیمی بودن در اتاق کفایت نمی‌کند. باید بتواند موضوعات مبتلا به بخش خصوصی را نقد و برای آنها طرح و نظر مناسب ارائه کند. باید این ظرفیت را داشته باشد که در مجامع داخلی و خارجی، بخش خصوصی را نمایندگی کند. باید مدیر باشد و از نزدیک با مشکلات کسب و کار کشور آشنا باشد، نه اینکه از دور، دستی بر آتش داشته باشد. اتاق بسیار نیازمند تغییر و بازسازی است، بنابراین اعضای هیات ریسه باید خوش‌فکر و دارای ایده باشند و اصطلاحاً مدیر تغییر باشند، نه مدیر تثبیت.

* ترکیب فعلی اتاق چگونه است و چند جناح دارد؟

در اتاق دو جناح جدی وجود دارد. یکی قدیمی‌ها یا به تعبیر دیگر سنتی‌ها که مشی محافظه‌کارانه در قبال تغییر در اتاق دارند و تغییر را خیلی بر نمی‌تابند، به جوانگرایی اعتقاد ندارند، تجربه را فوق همه چیز می‌شمارند و عاشق تمرکزگرایی هستند. جناح دیگر تحول‌خواهان هستند که همین‌طور که از نامشان پیداست معتقد به لزوم تغییر و تحول مداوم و پیوسته در اتاق هستند، پایگاه دانشی آنان بیشتر از پایگاه تجربی‌شان است و به گردش مدیریت در اتاق و کاهش تمرکز معتقدند.

* نقش سنتی‌ها تاکنون چه بوده و به نظر شما، این گروه تا چه میزان با تفکرات سنتی خود موجب عقب‌گرد اتاق شده است؟

سنتی‌ها در دهه اول پس از انقلاب نقش بی‌بدیلی در حفظ و نگهداری اتاق ایفا کردند. اگر این گروه نبود و البته به پایگاه قدرت سنتی بازار و تشکل‌های سیاسی آن تعلق نداشت شاید اتاق تعطیل می‌شد. اما به نظر من مأموریت آنها در ۱۰ سال اول انقلاب تا پس از جنگ به پایان رسید و دیگر دستاوردی برای اتاق نداشتند. در مدیریت امروزی گفته می‌شود: «اگر در حال بهتر شدن نباشید، در حال بدتر شدن هستید». مدیریت سنتی اتاق هم در دوران پس از ۱۰ سال نخست، دیگر در حال بهتر شدن نبود و البته خودشان هم از این موضوع غافل بودند. دوران نگهداری به سر آمده و دوران تغییر در اقتصاد کشور کلید خورده بود، با

این حال اتاق همپای تحولات اقتصادی کشور پیش نرفت. به نظر من هر دوره‌ای مدیران خود را می‌طلبند و اصرار مدیران بر ماندن موجب درج‌زدن که همان بدتر شدن است، می‌شود.

*** صادرکنندگان تا چه میزان از این نابسامانی در اتاق آسیب دیده‌اند؟**

البته من اسمش را نابسامانی نمی‌گذارم بلکه به نظرم یک رکود، سکون و غفلت از نیاز بخش خصوصی بوده است. آسیب صادرکنندگان هم مانند سایر اقشار فعالان اقتصادی از ضعف و پرچالش بودن فضای کسب و کار کشور بوده که البته اتاق کمتر به آن پرداخته است. من معتقدم زنجیره اقتصاد کشور تفکیک‌ناپذیر است، یعنی مشکلات اقتصاد کشور، گریبانگیر همه فعالیت‌هایی است که در ایجاد و رشد تولید ناخالص ملی نقش دارند. تولید ضعیف منجر به تجارت آسیب‌پذیر و خدمات نارسا می‌شود؛ پس همه با هم در یک کشتی هستند.

*** در این دوره اتاق نیازمند چه تحولاتی است؟**

من معتقدم این دوره، زمان آن است که در اتاق هر چیز سر جایی خود قرار گیرد. یعنی هیات نمایندگان اتاق در ظرف اختیاراتی که قانون به آن داده یا به طور متعارف باید داشته باشد، مقتدر و هوشمند عمل کند. هیات رییس به عنوان نماینده اتاق در نظارت بر امور اجرایی، برنامه‌ریزی و ارتباط با خارج اتاق به وظیفه خود عمل کند و مهم‌تر از آن، ساختار اجرایی اتاق به نحوی بازتعریف شود که حداکثر سرعت، بهره‌وری و کارایی را به‌وجود آورد. در کنار اینها کلیت اتاق باید بدانند مهم‌ترین مأموریتش ایجاد ارزش افزوده برای اعضای خود و بخش خصوصی کشور است که این ارزش افزوده از طریق بهبود فضای کسب و کار و افزایش آرایه خدمات فراهم می‌شود. باید کسی که عضو اتاق است به راحتی احساس کند که این عضویت برایش چه امتیازاتی به همراه آورده است. اگر این اتفاق بیفتد بقیه کارکردهای اتاق مانند آرایه مشاوره به سه قوه، توانمندسازی تشکلهای ظرفیت‌سازی در اتاق‌های شهرستان‌ها، فعال‌سازی اتاق‌های مشترک و مانند آن تحقق می‌یابد.